info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۵۰۶
چهارشنبه ۶ / آذر / ۱۳۹۸
۲۹ / ربیع الاول / ۱۴۴۱
27 / November / 2019

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون گارشناسان، رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۳۳-۰۲۶ • فکس: ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۳۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

با شعرای کرج

جوانی رفت

دریغ! تا که به هوش آمدم جوانی رفت
چه رایگان ز کف آن گنج شایگانی رفت؟

شباب بود و صفا بود و شادمانی بود
شباب رفت و صفا رفت و شادمانی رفت

دگر به شاخ امیدم نه غنچه ایست نه گل
که شور زندگی از باغ زندگانی رفت

ز دیده گوهر اشکم فرو چکد بزمین
بنیاد گوهر عمری که رایگانی رفت

نشست بر سر و رویم غبار ناکامی
بدان نشانه که دوران کامرانی رفت
توای عزیز غنیمت شمر جوانی را
که پیر گردی و بینی ز کف جوانی رفت

ناظر شرفخانه‌ای

تلنگر

اولیای معلولان شدید معافیت مالیاتی می گیرند

معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور در مورد جزئیات آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق معلولان، مبنی بر معافیت ۵۰ درصدی حقوق و مزایا یا دستمزد مشمول مالیات یکی از اولیای افراد دارای معلولیت شدید یا خیلی شدید، توضیح داد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، محمد نفریه معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور با بیان این‌که بنا بر تصمیم هیات وزیران، آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق معلولان مبنی بر معافیت ۵۰ درصدی حقوق و مزایا یا دستمزد مشمول مالیات یکی از اولیای افراد دارای معلولیت شدید یا خیلی شدید به تصویب رسیده است، گفت: این آیین‌نامه مربوط به ماده ۲۵ قانون حمایت از حقوق معلولان است. بر اساس آن، یکی از والدین معلولان شدید یا خیلی شدید اعم از این‌که فرزند معلول آنها در منزل یا مراکز نگهداری یا بیمارستان نگهداری شوند، از این معافیت مالیاتی برخوردارند.

وی با بیان این‌که یک میلیون و ۴۷۵ هزار معلول تحت پوشش سازمان بهزیستی هستند که از این تعداد بیش از ۵۷۰ هزار نفر معلولیت خیلی شدید دارند، افزود: این معافیت مالیاتی به افرادی تعلق می‌گیرد که در مراکز دولتی یا غیردولتی به کار مشغول هستند و حقوق دریافت می‌کنند و از حقوق این افراد مبلغی به عنوان مالیات کسر می‌شود.

معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور اظهار کرد: قانون حمایت از حقوق معلولان، ۵ آیین‌نامه و یک اساس‌نامه مربوط به حمایت از فرصت‌های شغلی دارد و آیین‌نامه مذکور چهارمین آیین‌نامه مصوب بوده که مربوط به ماده ۲۵ است. همچنین آیین‌نامه‌های مربوط به مواد ۹، ۱۲ و ۱۳ هم در هیات وزیران تصویب شده است.

نفریه در خصوص زمان اجرای این آیین‌نامه هم توضیح داد: آیین‌نامه مذکور به محض این‌که توسط هیات وزیران ابلاغ شود، قابلیت اجرایی پیدا می‌کند و احتمالا هفته آینده، همزمان با روز جهانی معلولان، این آیین‌نامه‌ها برای اجرا ابلاغ می‌شوند. این معلولان باید به سازمان بهزیستی مراجعه کنند و درخواست دهند. بعد از تایید شدت معلولیت در کمیسیون‌های مربوطه، سازمان بهزیستی آنها را به اداره مالیات معرفی می‌کند تا ۵۰ درصد مالیات‌شان بخشیده شود.

وی در ادامه تاکید کرد: ممکن است فردی تحت پوشش بهزیستی نباشد، اما از معلول شدید و خیلی شدید نگهداری کند. آنها نیز مشمول این آیین‌نامه می‌شوند، بنابراین این‌طور نیست که این آیین‌نامه فقط به معلولان تحت پوشش سازمان بهزیستی تعلق بگیرد، بلکه کلیه افرادی که از معلولان شدید و خیلی شدید نگهداری می‌کنند، شامل این آیین‌نامه هستند.

به گفته محمد شریعتمداری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، همه اقدامات مربوط به فرایند تقاضا، صدور گواهی و ارسال آن به اداره امور مالیاتی از طریق سامانه‌های الکترونیکی دستگاه‌های ذی‌ربط انجام می‌شود.

فال روز — امروز با حافظ

گفتا برون شدی به تماشای ماه نو
از ماه ابروان منت شرم باد رو
عمریست تا دلت ز اسیران زلف ماست
غافل ز حفظ جانب یاران خود مشو

خوشنویسی

زیر درخت سیب نامت حواست

حسین منزوی

اذان کرج — اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۲۳	۰۶:۵۲	۱۱:۵۵	۱۶:۵۶	۱۷:۱۵

برگه

زندگی سراسر تجربه است. هرچه بیشتر تجربه کنید، بهتر است.

رالف. والدو. امرسون

مقاله

چه طور شغلی را که از آن متنفرم تحمل کنم؟

مشاور عزیز، به کمکتان نیاز دارم. من واقعا از شغلم متنفرم و فکر نکنم به این زودی‌ها اوضاع بهتر شود. حقوق و مزایایم خوب است و محیط کارم، منظره زیبایی دارد. قاعدتا باید عاشق کارم باشم اما نیستم. در واحد ما یعنی واحد IT همه چیز به هم ریخته است و تیممان، ناکارآمدترین تیمی است که تا به حال دیدم. البته اگر بشود اسمش را تیم گذاشت! هنوز یک سال نشده که اینجا کار می‌کنم و حالا آرزویم این است که پا به اینجا نگذارم. تیم ما به دو قسمت تقسیم شده یک عده در بخش غربی شرکت و بقیه در بخش شرقی کار می‌کنند. تیم غربی تمام کارها را انجام می‌دهد و بعد گلایه می‌کنند که تیم شرقی هیچ کاری نمی‌کند یا اینکه همه ما عضو یک تیم هستیم، اما یک جو «ما در مقابل آنها» وجود دارد. روزهای اول، به این فکر می‌کردم که چطور شرایط را بهتر کنم اما مدیریت و وضعیت تیم آن‌قدر ضعیف است که حالا فقط به این فکر می‌کنم که «چطور امروزم را به پایان برسانم؟»

اولین تاکتیکی که به کار بردم این بود که سرم به کار خودم باشد و کاری را که به من واگذار شده انجام دهم. اما مشکل اینجاست که مشکل من نیستم! پروژه‌ها را دائما تغییر می‌دهند یا از یکی می‌گیرند و به یکی دیگر محول می‌کنند. من کارم را خیلی خوب بلدم اما نمی‌دانم چطور می‌توانم در چنین محیطی، بازدهی داشته باشم. با مدیرم صحبت کردم. با مدیرش صحبت کردم. اما فایده نداشت. با کار کردن در این محیط، چند تا درس یاد گرفتم: اولا هیچ وقت کاری را صرفا به خاطر پولش قبول نکن. کسانی که کارشان را دوست دارند، حتی اگر حقوقشان کمتر باشد، شادتر از کسانی هستند که حقوقشان بالاست اما کارشان را دوست ندارند. دوما، خودت را کاملا وقف یک شغل افتضاح نکن. اگر در جایی کار می‌کنی که امکان مشارکت وجود ندارد و حس رضایت نداری، برو و باغبانی یاد بگیر یا یک سرگرمی خارج از محل کار برای خودت پیدا کن. من هم حالا در مدرسه کسب‌وکار ثبت‌نام کردم و امیدوارم در کمتر از ۱۰ سال، مدرک لیسانس و MBA بگیرم. جالب اینجاست که مردم به مدرسه و دانشگاه می‌روند تا بتوانند در شغلی که من دارم استخدام شوند! دوست دارم از چیزی که دارم به بهترین نحو استفاده کنم اما نمی‌دانم چطور. چطور می‌توانم در چنین محیطی از شغلم نهایت استفاده را ببرم؟

پاسخ: دوست عزیز، اول از همه، چشمات را باز کن و ببین، شرکت چه چیز خیلی است، چه محدودیت‌هایی دارد و در آنجا، چه انتظاراتی از کارت می‌توانی (و نمی‌توانی) داشته باشی. در حال حاضر تو داری محیط کارت را با آنچه «باید باشد» مقایسه می‌کنی به همین علت، هر روز احساس ناامیدی می‌کنی اما باید ببینی چه چیزی باعث شده یا وجود همه این چیزها، هنوز هم آنجا باشی. چیزی که می‌دانی این است که واحدتان ناکارآمد است، رقابت عجیب و غریبی بینتان وجود دارد، همه دنبال مقصرند و مدیریت افتضاح است. اگر خودت را از نظر روحی وقف یک پروژه کنی، ممکن است آن را از تو بگیرند و به یکی دیگر بدهند. اینها فاجعه است. اما اگر به جای اینکه برای تغییر شرایط، خودت را به آب و آتش بزنی، سعی کنی شرایط را بپذیری، تحملش برایت آسان می‌شود. به اینها فکر کن. «آنها دارند بابت این پروژه پول خوبی به من می‌دهند. شاید فردا آن را از من بگیرند اما امروز دارم روی آن کار می‌کنم و مادامی که پروژه مال من است، آن را به خوبی انجام می‌دهم» یا به خودت بگو: «تصمیم مدیریت خیلی عجیب بود اما اینجا روال کار این است و تا جایی که اجازه ندهم این چیزها روی اعصابم برود، تاثیری روی من نخواهد گذاشت.»

به علاوه، وقتی از شغلت یا محیط کارت متنفری، بهتر است همیشه به این فکر کنی که انگیزه‌ات از ماندن در آنجا چیست. من نمی‌دانم دلیل تو برای ماندن چیست اما حتما آن‌قدر برایت قانع‌کننده است که حاضری شرایط را تحمل کنی. حالا دلیلت هر چه می‌خواهد باشد، حقوق خوب، مسیر نزدیک، یا سابقه کار طولانی در یک سازمان، پس اگر دلیل ماندنت، مثلا پول است، با خودت بگو: «اگر من جای اینها بودم، واحد را این‌طور اداره می‌کردم اما یادم باشد که من اینجا هستم که پول جمع کنم که بتوانم قرض‌هایم را بدهم، پس کارم را ادامه می‌دهم.» اگر آگاهانه خودت را با شرایط وفق دهی، تحملش برایت آسان‌تر می‌شود. اما این رویکرد، یک خطر هم دارد که باید حواست به آن باشد. این به مرور زمان باعث می‌شود بدبین شوی و دیگر ندانی یک محیط نرمال چه شکلی است. وقتی بخواهی وارد یک شرکت جدید شوی، این برایت مشکل‌ساز می‌شود چون وقتی به یک محیط نرمال می‌روی، عادت‌ها و طرز فکرهای غلط را که مانع موفقیت هستند با خودت خواهی برد.

مثلا، در حال حاضر این رویه را پیش گرفته‌ای که سرت به کار خودت باشد و اظهار نظر نکنی. این رویکرد در یک محیط سالم، می‌تواند محدودت کند یا حتی خطرناک باشد. اگر بیش از حد به مدیریت ندرست سازمان عادت کنی، در آینده هر چیزی را تحمل خواهی کرد. پس باید دائما به خودت یادآوری کنی که چه چیزی نرمال است و چه چیزی نیست و این سازگاری‌ها با شرایط، موقتی است برای آنکه مثلا پول فریبکاری و قرض‌هایت را بدهی و نباید دائمی باشد و نگرانت درباره کار را تغییر دهد. اما یک سوال مطمئنی که محاسبات درست است؟ تو در نامه‌ات هیچ اشاره‌ای به استعفا دادن و پیدا کردن یک شغل جدید نکردی. برایم سوال پیش آمده که چقدر جدی فکر کرده‌ای و به این نتیجه رسیده‌ای که ماندن در محیطی که از نظر روحی تحلیلت می‌برد، از استعفا دادن منطقی‌تر است. البته در هر محیطی، تا حدی ناکارآمدی وجود دارد پس نباید به این بهانه که محیط کارت بی‌عیب و نقص نیست دائما شغل عوض کنی. اما به نظرم تو عمیقا ناراضی و ناراحتی. پس هر محاسباه‌ای در ذهنت کرده‌ای، دوباره‌اش تجدید نظر کن و شرایط را دوباره سبک و سنگین کن و ببین ارزشش را دارد که بمانی یا نه. همیشه به یاد داشته باش که اگر بخواهی، می‌توانی بروی. تو در آنجا گیر نکرده‌ای.

نویسنده: الیسون گرین
مترجم: مریم مرادخانی

یادداشت

فقر روایت دست اول در کشور

قطع اینترنت و دست کشیدن مخاطبان از رسانه‌های خودساخته و دل بریدن از رسانه‌های خارج پرداخته، باعث نشد که روزنامه‌نگاری در ایران، ثابت کند که مظلوم ممیزی و مقهور تکنولوژی است.

روزنامه‌های فارسی نتوانستند در میان شهروندان با سفت کنند که در شرایط برابر سربلند از انتشار اخبار بیرون می‌آیند. کارنامه ما در دورانی که گذشت در برابر ماست. روایت دست اولی از رویدادها نساختیم و در کمپ اقلیت دست و پا زدیم. محتاط بودن را می‌شود از صفات روزنامه‌نگاری معاصر بدانیم، اما مستاد بودن را بگذارید بین خودمان بماند. ما از دفتر روزنامه خارج نشدیم و نگران کمان‌های آنتن چشم‌ها از گوشی‌هایمان برنداشتیم.

کمبود روایت دست اول در مطبوعات ایران از زمان رواج خبرگزاری‌ها رایج است.

نیم قرن پیش در صفحه گزارش روزنامه‌هایی که عمده پیشکسوان روزنامه‌هایی آمد، همیشه عکسی چاپ می‌شد از روزنامه‌نگاری مشغول نوشتن در کنار یک یا چند شهروند. شرح این عکس‌ها می‌گفت که خبرنگار روزنامه همراه عکاس از دفتر روزنامه خارج به محل وقوع حادثه رفته و در آنجا گزارشی که در صفحه چاپ شده را تهیه کرده. براساس این عکس‌ها، روزنامه‌نگاران آن سال‌ها اغلب مردانی بودند خوش‌لباس و خوش‌صورت که با عینک‌های دسته ضخیم کائوچویی و پوشاک یه‌رو، در به در دنبال سوژه این مستندسازی در کار تهیه گزارش در مطبوعات آن سال‌ها روشی برای اثبات بصری نزدیکی رسانه به مخاطب بود. به مردمی که می‌دانستند، مسعودی و مصباح‌زاده هر دو در تلرویود سیستم معنی می‌شوند و ساختار قدرت دیگر بعد از رفتن نخست‌وزیر قانونی و روی کار آمدن دولت نظامی، هرگز اجازه نمی‌دهد تجربه‌ای شبیه نسیم شمال در روزگار مشروطه و مرد امروز در سال‌های بعد از اشغال تکرار شود. سردبیران کهنه‌کار و روزنامه‌نگاران جویای نام می‌دانستند که باید کنار مردم ایستاد، حتی به اندازه عکسی در صفحه ۵.

این نسل از روزنامه‌نگاران یادشان بود که در ۱۲ سال از شهریور ۲۰ تا مرداد ۳۲ روزنامه‌نگاری در میان ۱۸ هیأت دولت کشویی و ۱۳ نخست‌وزیر لولایی، روزنامه‌نگاری در ایران پیش از آنکه گزارشگری از شرایط برای اثبات بصری نزدیکی رسانه به مخاطب بود، به مردمی که می‌دانستند، مسعودی و مصباح‌زاده هر دو در تلرویود سیستم معنی می‌شوند و ساختار قدرت دیگر بعد از رفتن نخست‌وزیر قانونی و روی کار آمدن دولت نظامی، هرگز اجازه نمی‌دهد تجربه‌ای شبیه نسیم شمال در روزگار مشروطه و مرد امروز در سال‌های بعد از اشغال تکرار شود. سردبیران کهنه‌کار و روزنامه‌نگاران جویای نام می‌دانستند که باید کنار مردم ایستاد، حتی به اندازه عکسی در صفحه ۵.

این نسل از روزنامه‌نگاران یادشان بود که در ۱۲ سال از شهریور ۲۰ تا مرداد ۳۲ روزنامه‌نگاری در میان ۱۸ هیأت دولت

اما نسل روزنامه‌نگاران صفحه‌های ۵ و گزارش‌نویسی از محل هم در دورانی که اتفاق از همه جای مملکت می‌جوشید و روزنامه‌ها مهم‌ترین محل تامین اخبار مردم انقلابی بودند، تصمیم گرفتند به جای روایت، اعتصاب کنند. اعتصاب ۱ هزوزه مطبوعات در پاییز ۵۷، در تاریخ روزنامه‌نگاری ایران، به‌عنوان اقدامی انقلابی قابل بحث است. اما صنفی که پای آن اعتصاب ایستاد، یادش رفت که غیبت ۲ ماه روایت دست اول روزنامه‌نگاری از مهم‌ترین روزهای تاریخ معاصر را چگونه باید توجیه کرد. نیم قرن بعد در روزنامه‌های صبح، روزنامه‌نگاری ایرانی در گیر منابع است تا اتفاق. تنها جایی که می‌توان عکس روزنامه‌نگاران را دید، در لابه‌لای صفحات گفت‌وگوست. روزنامه‌نگاری شغلی است که زندگی کردن با رویدادها بخش کوچکی از آن است. جست‌وجوی منابع خبری و دنبال کردن نظرات و واکنش‌ها مهم‌ترین کاری است که سردبیران از روزنامه‌نگاران می‌خواهند. اعزام روزنامه‌نگار به مراکز خبرساز، کاری است هزینه‌سوز و زمان‌سوز. رویدادها را باید دید و چشید و فهمید تا بتوان روایت کرد. آن کس که رویدادی را بفهمد راه روایتش را هم پیدا می‌کند. هر روایتی اصول خودش را بنا می‌کند.

همشهری آنلاین - علیرضا محمودی

خبر

۴۵۰ میلیارد تومان اعتبار به ۷ طرح گردشگری کرمانشاه

به گزارش پیام آشنا، مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی کرمانشاه، در جلسه بررسی طرح‌های سرمایه‌گذاری گردشگری از تصویب ۷ طرح گردشگری با اعتباری بیش از ۴۵۰۰ میلیارد ریال خبر داد و اظهار کرد: اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری در استان باهدف ایجاد اشتغال پایدار و توسعه مالی و گردشگری ضروری است و در این زمینه برنامه‌ریزی مناسبی انجام شده است.

امید قادری، مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی کرمانشاه، در جلسه بررسی طرح‌های سرمایه‌گذاری گردشگری از تصویب ۷ طرح گردشگری با اعتباری بیش از ۴۵۰۰ میلیارد ریال خبر داد و اظهار کرد: اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری در استان باهدف ایجاد اشتغال پایدار و توسعه مالی و گردشگری ضروری است و در این زمینه برنامه‌ریزی مناسبی انجام شده است.

قادری بیان کرد: احداث یک هتل شرکت حمل‌ونقل گردشگری، سه واحد بوم‌گردی در شهرستان‌های کرمانشاه، پاوه، گیلان‌غرب، ثلاث باباجانی و جوانرود از جمله طرح‌های مورد مصوب این جلسه بود.

وی با اشاره به اینکه کرمانشاه آماده حمایت از بخش خصوصی برای اجرای طرح‌های گردشگری است، توضیح داد: اجرای این طرح‌ها در کمترین زمان ممکن مهم‌ترین اولویت ما است و به‌عنوان یکی از محوری‌ترین اهداف این مجموعه به دنبال توسعه گردشگری در استان هستیم تا بتوانیم گردشگری را از رکود خارج کنیم.

در این جلسه مدیرکل بانک کشاورزی، نماینده امور بانک‌ها و اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی و معاونان اداره کل میراث‌فرهنگی استان حضور داشتند که مقرر شد تا پایان ماه طرح‌ها تعیین تکلیف و نسبت به پرداخت آنها اقدام شود. با پرداخت این تسهیلات شرکت حمل‌ونقل گردشگری، هتل آپارتمان و دیگر تسهیلات گردشگری به زیرساخت‌های این استان اضافه می‌شود.

بریده جراید

آیا «ادبیات جنوب» وجود دارد؟

اعتماد- ادبیات جنوب، مکتب خوزستان و از این قبیل عناوینی‌اند که بعد از انقلاب رواج پیدا کردند و مثل خیلی از عناوین و تابه‌های دیگر، بیشتر حاصل واوسازی متقدمان هستند تا ناشی از خود جریان‌های ادبی. به طور فی‌نفسه این عناوین در بیشتر موارد مفهوم‌سازی‌هایی، روش‌شناختی برای مقوله‌بندی پدیده‌هایی بود که از تظر متنقد یا پژوهشگر از مولفه‌هایی شبیه به هم برخوردار بودند و می‌شد آنها را ذیل یک عنوان، ردیف و لایه یا طبقه قرار داد. در نتیجه سخن از مثلا مکتب خراسان، مکتب شمال، مکتب جنوب و غیره به میان می‌آید. در اینجا به عنوان مثال متنقد گرمه‌تف و گاز، پالایشگاه، کارگران شرکت نفت، مسائل کارگری، شط، نخل و ... را در رشته‌ای از داستان‌ها می‌یابد و آن داستان‌ها را ذیل عنوان «داستان جنوب» یا «داستان خوزستان» طبقه‌بندی می‌کند این مفهوم‌سازی از ابزارهای مهم هرپژوهشی است و عملی است به صواب و درخور. هر محققی لازم است، مفاهیم خود را تعریف و مشخص کند که درباره چه چیزی سخن می‌گوید.

متکل از جایی شروع می‌شود که تو بسنده و داستان‌تویس بخواهد داستانی بنویسد که این مولفه‌ها را در آن جای دهد یعنی از پیش و از روی قصد، این مولفه‌ها را شناسایی کند و داستان را چنان بنویسد که مولفه‌های مذکور در آنها برجسته باشند. در واقع او داستان را برای این مولفه‌ها می‌نویسد نه اینکه داستانی بنویسد. داستان محمل و بردار این مولفه‌هاست. در نتیجه امروزه شاهد داستان‌هایی هستیم، آناتهم‌های توی چشم، هم‌تنی متل علو، علو، گرگو، شیرو... دیالوگ‌هایی با لهجه‌های من‌درآوری پر از سی‌موسی‌تو، متاثری از اولوه‌های تفت، بچه‌های پاره‌هنه، پالایشگاه در خت‌تخل، زهم‌ماهی، شرجی و رودخانه کارون. نویسنده گویی از مولفه‌های تظر گری که در صندقچه مشترک زبانی در اختیار دارد، متنی کلمات و تصاویر و عبارات از پیش آماده را برمی‌کشد و میکس می‌کند و داستانی جتوبی می‌نویسد. خصوصاً نویسندگان داستان‌های مسابقه‌ای، نویسندگانی که داستان را اصولاً برای جایزه ادبی می‌نویسند و فراموش نمی‌کنند که بوی تفت را نیز از خلل و فرج داستان‌شان جاری کنند. چه بهتر که پالایشگاه‌های داستانتن چند سوت کشدار هم بکشند تا معلوم شود که اویرای خواننده و داور مسابقه سنگ‌تمام گذاشته است.

تموته‌های داستان‌هایی از این قبیل فراوان‌اند؛ اما اگر بخواهم متالی بزنم از داستانی که پیش از این مفهوم‌سازی‌ها، به خودی خود و فی‌نفسه داستان است اما نمی‌توان آن را در زمره «ادبیات جنوب» به همین معنای اخیر قرار داد. باید از مجموعه داستان «لالی» بهرام حیدری نام ببریم. در این مجموعه خبری از این مولفه‌ها نیست. نویسنده چیزی از پیش آماده در اختیار ندارد. به این فکر نمی‌کند فضا را چگونه بسازد. از چه مدعایی استفاده کند. چه تابه‌هایی را به کار گیرد که فضای موعود جتوب را برای خواننده جتوب‌بسند تداعی کند. «لالی» حیدری متزلگاه بادهای سرخ، باد آتشین، گرمای طاقت‌سوز و مستاصل کننده‌ای است که امان از آدم می‌برد و سست و بی‌حالتش می‌کند. متزلگاه باد گرمی است که فانوس‌ها را کور می‌کند. همچون خود وزش ظلمت که در سراسر «لالی» می‌وزد از داستان اول «تمار فردا کباب است» تا آخرین داستان آن «لل محمد و آقای مرادی» پیدا و پنهان.

مالزی میلیون‌ها تن زباله غربی‌ها را برمی گرداند

ایرنا- مالزی که به عنوان تخستین و بیشترین رتبه وارد کننده زباله‌های پلاستیکی در جتوب شرق آسیا و جهان شناخته می‌شود، تصمیم گرفته است با برگرداندن میلیون‌ها تن زباله به کشورهای مبدأ که از کشورهای غربی هستند، این روند را کاهش دهد.

بر اساس گزارش رسانه‌های مالزی، این کشور ۴۲ کانتینر شامل محموله زباله پلاستیکی که از طریق دریا به مالزی وارد شده است را به انگلیس (کشور ارسال کننده) پس می‌فرستد.

گروه محیط زیستی Greenpeace با انتشار گزارشی در سال جاری میلادی اعلام کرد: بر اساس داده‌های تهیه شده در ماه‌های ژانویه و توامبر ۲۰۱۸، مالزی با ۱۵.۷ درصد تخستین وارد کننده زباله‌های پلاستیکی از کشورهای مختلف در منطقه جتوب شرق آسیاست.

طبق این گزارش، تایلند با ۸.۱ درصد، ویتنام با ۷.۶ درصد، هتگ کتگ با ۶.۸ درصد و آمریکا با ۴.۱ درصد به ترتیب پس از مالزی بالاترین وارد کنندگان زباله در جهان بودند.

وزارت محیط زیست مالزی و کمیسیون عالی انگلیس روز دوشنبه در بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند که انگلیس توافق کرد ماست ۴۲ کانتینر حامل زباله پلاستیک را که به طور غیرقانونی به مالزی وارد شده است، بازگشت داده شود.

بر اساس این بیانیه، کانتینرها اواخر سال ۲۰۱۸ تا مارس ۲۰۱۹ وارد بتدر پنانگ مالزی شده است.

یو یی بیتو، وزیر محیط زیست مالزی در این بیانیه گفت: این همکاری به معنای این امر است که آلودگی پلاستیک یک مسئله جهانی است و تنها به عهده کشورهای مختلف برای رفع این مشکل دارد.

چارلز هی، کمیسر عالی انگلیس نیز در این زمینه گفت: لندن می‌خواهد با مالزی در زمینه مبارزه با تجارت غیرقانونی زباله‌های پلاستیکی همکاری کند. از زمانی که چین ممنوعیت واردات زباله در ژانویه سال ۲۰۱۸ را به اجرا گذاشت، مالزی به اصلی‌ترین کشور دفع زباله جهان تبدیل شده است که عمدتا به صورت قاچاق به این کشور وارد می‌شود.

وزیر محیط زیست مالزی، اوایل سال جاری میلادی گفته بود: دولت حدود ۳۰۰ کانتینر زباله‌های پلاستیکی غیرقانونی را که در بتدر مختلف کشور مستقر شده‌اند، کشف کرده و امیدوار است تا پایان سال حداقل ۶۰ کانتینر را به کشورهای مبدا خود بازگرداند.

مالزی از ماه ژوئن سال گذشته هتگامی که صدور پروانه ساخت کارخانه‌های بازیافت زباله‌های پلاستیکی را مسدود کرد به طور همزمان واردات زباله‌های پلاستیکی را تیز ممنوع اعلام کرد و بازرسی‌های سختگیرانه‌ای در مورد اجرای این قانون را در پی گرفت.

بر اساس این گزارش، پس از اجرای این قانون دست کم ۱۵۰ کارخانه بازیافت زباله در مالزی از فعالیت بازماندند.

از تمام خوانندگان پیام آشنا می خواهیم، یکی از مهم ترین مشکلاتی که در محله و زندگی خود با آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک های وارده» با نام تان-در صورت تمایل- منتشر شود.

SMS